



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و حقوق

عنوان:

## بررسی فقهی احکام تربیت کودکان

استاد راهنما:

دکتر محمدجواد حیدری خراسانی

نگارنده:

خدیجه شبری

پائیز ۱۳۹۴

تقدیم به:

ساحت مقدس حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

و

مادر بزرگوارشان حضرت فاطمه الزهرا (س)

## تقدیر و تشکر:

سپاس خدایی را که چراغ هدایتش همواره روشنگر مسیر علم و دانش این بنده‌ی حقیر بوده‌است. ابتدا بر خود لازم می‌دانم از حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر محمدجواد حیدری خراسانی، به دلیل اخلاق مثال‌زدنی ایشان، روش شاگردپروری و موشکافی‌های دقیق تشکر و قدر دانی کنم و از اینکه با دانش بی‌نهایت خویش مرا در پیشبرد این رساله گام به گام مورد لطف و عنایت خویش قرار داده و با سعه صدر این حقیر را راهنمایی و ارشاد نمودند و همچنین از خانواده عزیزم به ویژه همسر مهربانم که مرا در این مسیر یاری رساندند، کمال تشکر را دارم.

لازم به ذکر است کاستی‌های محتوایی و نگارشی این اثر، به اطلاعات اندک و بیان قاصر صاحب قلم بر می‌گردد. مسلماً پیشنهادات اساتید و صاحب‌نظران در تکامل این اثر پژوهشی مفید خواهد بود.

## چکیده

در این پژوهش به بررسی فقهی مسائل کودکان پرداخته شده است و در واقع سعی بر آن است تا اصول فقه را در قلمرو مسائل تربیت بسط و گسترش دهیم و گزاره‌ی تربیت را با نگاهی فقهی بررسی کنیم و موضوع احکام تربیت (عبادی، عاطفی، جنسی و...) کودکان را در راس کار خود قرار دهیم. در ابتدا با تعاریف برخی واژه‌ها و مفاهیم کلیدی از جمله (تربیت، احکام و فقه و...) از نظر لغوی و اصطلاحی بحث آغاز شده و در ادامه به حقوق و احکام فقهی کودک قبل و بعد از تولد و همچنین به تربیت عبادی کودکان با بهره‌گیری از احادیث فقهی ائمه‌ی معصومین و بزرگان و روایات، پرداخته شده است. و وظایف والدین نسبت به کودکان در زمینه‌ی تربیت عبادی کودکان با ادله بیان شده که در این بین می‌توان به آموزش نماز و روز اشاره کرد. و نیز در ادامه به تحلیل و بررسی مبانی فقهی تربیت کودک و اقسام آن از جمله تربیت عبادی، تربیت جنسی، تربیت عاطفی و تربیت جسمی پرداخته شده است و با استدلال وجوب و استحباب وظایف والدین را در زمینه‌ی اقسام تربیت، نسبت به کودکان، مورد بررسی قرار گرفته است. امید است این تحقیق بتواند گامی موثر در راستای تربیت فقهی کودکان و فرزندان نسل آینده و چراغ راهی در پیشبرد تربیت فقهی و نیز خدمتی به پژوهش در عرصه‌ی تربیت فقهی باشد. جمع‌آوری این پژوهش به روش کتابخوانی و اسنادی صورت گرفته است و روش تحقیق توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** تربیت فقهی، کودکان، احکام فقهی.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	بیان مسئله:
۲	ضرورت انجام تحقیق:
۲	اهداف تحقیق:
۳	سوال اصلی تحقیق:
۳	سوالات فرعی تحقیق:
۳	فرضیه‌های تحقیق:
۴	سابقه و پیشینه تحقیق:
۴	روش‌شناسی تحقیق
۵	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۶	۱-۱. مفاهیم فقه و قواعد فقهی و قواعد اصولی
۶	۱-۱-۱. تعریف لغوی فقه
۶	۱-۱-۲. تعریف اصطلاحی فقه
۶	۱-۱-۳. فقه در اصطلاح فقهی و اصولی
۷	۱-۱-۴. تعریف فقه در قرآن و روایات
۷	۱-۱-۲. مفهوم و معنای حکم:
۸	۱-۲-۱. اقسام حکم:
۸	۱-۲-۱-۱. حکم تکلیفی
۹	۱-۲-۱-۲. حکم وضعی
۹	۱-۲-۲. تعلق برخی از احکام وضعی به کودک
۱۲	۱-۲-۳. عدم تعلق احکام تکلیفی الزامی به کودک:

- ۱-۲-۱-۴. ادلهی عدم تعلق احکام تکلیفی الزامی به کودک ..... ۱۲
- ۱-۳-۳. مفهوم شناسی تربیت ..... ۱۵
- ۱-۳-۱. معنای لغوی تربیت: ..... ۱۵
- ۱-۳-۲. معنای اصطلاحی تربیت ..... ۱۶
- ۱-۳-۳. معنای تربیت در اصطلاح فقه و حقوق ..... ۱۷
- ۱-۴-۴. معنای لغوی کودک ..... ۱۹
- فصل دوم: حقوق و احکام فقهی کودک قبل و بعد از تولد ..... ۲۰
- ۱-۲-۱. حقوق کودک قبل و بعد از تولد: ..... ۲۱
- ۱-۲-۱-۱. شرایط انعقاد نطفه و تشکیل جنین و تاثیر آن بر سلامت و تربیت کودک ..... ۲۱
- ۱-۲-۲-۱. کراهت اجرای عقد ازدواج در برخی زمانها ..... ۲۲
- ۱-۲-۳-۱. استحباب ذکر خدا و دعا در وقت زناشویی و قبل از آن ..... ۲۲
- ۲-۲. زمینه سازی جهت رعایت حقوق کودک قبل از ازدواج ..... ۲۳
- ۱-۲-۲-۱. حق داشتن پدر و مادر شایسته ..... ۲۵
- ۲-۲-۲-۲. دینداری ..... ۲۶
- ۲-۲-۳-۱. ادله دیندار بودن زن ..... ۲۶
- ۲-۲-۴-۱. ادله دیندار بودن مرد ..... ۲۷
- ۲-۲-۵. ادله صالح و درست کردار بودن همسر ..... ۲۷
- ۲-۲-۶. ادله عفت، پاکدامنی و باروری ..... ۲۸
- ۳-۲. مبانی فقهی احکام جنین و رعایت حقوق کودک پیش از تولد ..... ۲۹
- ۱-۳-۲-۱. تغذیه مادر در ایام بارداری و تاثیر آن بر تربیت و سلامت کودک ..... ۲۹
- ۲-۳-۲. مبانی فقهی حقوق کودک بعد از تولد ..... ۳۰
- ۳-۳-۲. مبانی فقهی حقوق کودک در تغذیه با شیر مادر (رضاع) ..... ۳۱

- ۳۲.....۴-۳-۲. ادله قرآنی برای تغذیه کودک با شیر مادر
- ۳۴.....۵-۳-۲. حق تغذیه کودک در کنوانسیون حقوق کودک
- ۳۵.....۴-۲. حضانت
- ۳۵.....۱-۴-۲. معنای لغوی حضانت
- ۳۵.....۲-۴-۲. معنای اصطلاحی حضانت
- ۳۶.....۳-۴-۲. معنای فقهی حضانت
- ۳۶.....۴-۴-۲. وجوب فقهی حضانت
- ۳۷.....۵-۴-۲. ادله فقهی حکم حضانت
- ۳۷.....۱. آیات
- ۳۸.....۲. روایات
- ۳۹.....۷-۲. ولایت غیر ابوی در تعلیم و تربیت کودکان
- ۴۱..... فصل سوم: مبانی فقهی تربیت عبادی کودکان
- ۴۲.....۱-۳. مفهوم تربیت عبادی کودکان
- ۴۳.....۲-۳. وظایف والدین در تربیت عبادی
- ۴۶.....۳-۳. سیره معصومان در تربیت عبادی فرزندان
- ۴۷.....۴-۳. وظایف والدین در آموزش نماز
- ۵۰.....۱-۴-۳. دسته بندی روایات بر اساس «زمان آموزش نماز»
- ۵۰.....۲-۴-۳. روایات آموزش نماز از ۶ سالگی
- ۵۲.....۳-۴-۳. روایات آموزش نماز از ۷ سالگی
- ۵۲.....۴-۴-۳. روایت آموزش نماز از ۸ سالگی
- ۵۳.....۵-۴-۳. روایت آموزش نماز پیش از ۱۰ سالگی
- ۵۳.....۵-۳. روایت آموزش نماز پیش از بلوغ و زمان شناخت نماز

- ۳-۶. دسته‌بندی وظیفه والدین در آموزش نماز به کودک ..... ۵۴
- ۳-۶-۱. وظایف تمهیدی ..... ۵۴
- ۳-۶-۲. وظیفه تعلیم نماز و امر به نماز ..... ۵۷
- ۳-۶-۳. وظیفه امر به نماز ..... ۵۸
- ۳-۷. سیره معصومین(ع) در آموزش نماز به فرزند ..... ۶۱
- ۳-۸. وظایف والدین در آموزش روزه ..... ۶۱
- ۳-۸-۱. روایات مواخذه بر روزه ..... ۶۲
- ۳-۸-۲. ادله تمرینی بودن روزه کودک ..... ۶۵
- ۳-۸-۴. اقوال فقها در سن شروع روزه تمرینی ..... ۶۶
- فصل چهارم: مبانی فقهی تربیت عاطفی کودکان ..... ۶۸
- ۴-۱. ادله والدین در مهرورزی و تربیت عاطفی فقهی ..... ۶۹
- ۴-۲. مبانی فقهی ابراز محبت به فرزند ..... ۷۱
- ۴-۳. حدود مهرورزی از نظر فقهی و تاثیر آن در تربیت کودک ..... ۷۴
- ۴-۴. استحباب مساوات و عدالت بین کودکان(فرزندان) ..... ۷۷
- ۴-۴-۱. ادله استصحاب مساوات بین فرزندان ..... ۷۷
- ۴-۵. جهت‌دهی به تربیت عاطفی ..... ۷۸
- ۴-۵-۱. ادله ایجاد و تثبیت محبت خدا و اولیای الهی در دل فرزند ..... ۷۸
- ۴-۶. روش‌های مهرورزی و تربیت عاطفی در روایات ..... ۸۰
- ۴-۶-۱. ادله ترحم بر فرزند ..... ۸۰
- ۴-۷. مفهوم تصابی ..... ۸۲
- ۴-۷-۱. معنای لغوی تصابی ..... ۸۲
- ۴-۷-۲. مفهوم اصطلاحی تصابی ..... ۸۲



- ۸۲ ..... ۴-۷-۳ اثبات روش تصابی
- ۸۳ ..... ۴-۸-۸ روایات فقهی اکرام کودک و تاثیر گذاری آن بر تربیت
- ۸۵ ..... ۴-۸-۱ بوسیدن کودک
- ۸۵ ..... ۴-۸-۲ ادله بوسیدن کودک
- ۸۷ ..... ۴-۹-۹ تربیت جنسی کودکان
- ۸۷ ..... ۴-۹-۱ معنای تربیت جنسی
- ۸۷ ..... ۴-۹-۲ ادله فقهی وظایف والدین در تربیت جنسی کودکان
- ۹۰ ..... ۴-۱۰-۱ دستورات اسلام برای تربیت صحیح کودک
- ۹۰ ..... ۴-۱۰-۱ جداسازی بستر خواب کودکان
- ۹۱ ..... ۴-۱۰-۲ نهی از آمیزش در حضور کودک
- ۹۲ ..... ۴-۱۰-۳ نهی از تماس بدنی که موجب تهیج کودک می شود
- ۹۲ ..... ۴-۱۰-۴ اجازه گرفتن برای ورود کودک بر والدین
- ۹۳ ..... ۴-۱۱-۱ تربیت اجتماعی کودک
- ۹۴ ..... ۴-۱۱-۱ ادب معاشرت با مردم
- ۹۴ ..... ۴-۱۱-۲ آداب سلام کردن
- ۹۵ ..... ۴-۱۲-۱ تربیت جسمی کودک
- ۹۵ ..... ۴-۱۲-۱ آموزش فنون رزمی و آمادگی های جسمانی به کودک
- ۹۸ ..... ۴-۱۲-۲ جداسازی بستر خواب فرزندان
- ۹۸ ..... ۴-۱۲-۴ روایات دلیل جداسازی بستر کودک ۱۰ ساله از بستر بانوان
- ۹۹ ..... ۴-۱۲-۵ روایات دلیل جداسازی پس از ۶ سالگی
- ۱۰۰ ..... نتیجه گیری
- ۱۰۲ ..... فهرست منابع

## مقدمه

بحث تربیت فقهی، به عنوان یک حوزه مطالعاتی در قلمرو تربیت اسلامی از دهه‌ی هفتاد شمسی وارد مباحث تربیتی کشور شده است. یکی از علل پیدایش این موضوع گسترش مطالعات و تحقیقات در قلمرو تربیت اسلام بوده است.

تربیت فقهی در جامعه ایران، به دلایل فراوانی از جمله جهانی شدن و وجود گسترده‌ی فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، زندگی روزمره‌ی افراد دستخوش تغییر و تحول شگرف و در عین حال خطرناکی شده است.

دانش فقه، به عنوان یکی از اصلی‌ترین علوم اسلامی وظیفه تعیین احکام و وظایف مکلفان را بر عهده گرفته است. احکام شرعی همان خواسته‌های خداوند است که در قالب واژه‌های «واجب»، «حرام»، «مستحب»، «مکروه» و «مباح» بیان می‌شود.

در منابع اسلامی اهتمام فراوانی به تربیت انسان در ابعاد مختلف شده است. از آنجا که شخصیت انسان‌ها از دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد، تعالیم انسان‌ساز اسلام برای نیل به این هدف بزرگ، برنامه‌هایی برای تربیت کودکان و نوجوانان ارائه نموده است.

فقه اسلامی، شامل مجموعه دستورات اسلام در همه زوایای زندگی انسان از چگونگی عباداتی همچون نماز، روزه، و ... گرفته تا دستورات الهی در معاملات و مبادلات اقتصادی و همچنین خواسته‌های خداوند در امور سیاسی و روابط مردم و حاکمان و ... است.

طبیعتاً، با توجه به حساس بودن سن کودکی و شکل‌گیری شخصیت فرزند در این دوران، پرداختن به بحث تربیت فقهی و احکام کودکان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ زیرا تربیت صحیح دینی باعث شکوفایی فطرت و کمال یافتن و رسیدن به سعادت خدایی می‌شود. با همه این پیام‌های الهی و خواسته‌های فطری، رنج‌های گذشته و امروز بشر نشان می‌دهد که بعضی از انسان‌ها به شکل‌های گوناگون با تجاوز به حقوق یکدیگر، آسایش را از آنان سلب می‌کند.

در این پژوهش، سعی شده است با تحلیل تربیت فقهی کودک و بررسی احکام فقهی مربوط به آن از جنبه‌های مختلف عبادی، عاطفی، جسمی و جنسی و غیره ... کمک شایانی به تربیت نسل آینده این نظام مقدس شود.

## **بیان مسئله:**

در تبیین مسئله حاضر می‌توان گفت این مسئله در صدد بررسی و تحلیل فقهی احکام تربیت کودکان می‌باشد. در این پژوهش تلاش شده است تا اصول فقه را در قلمرو مسائل تعلیم و تربیت بسط و گسترش داده شود و گزاره‌های تعلیم و تربیت با نگاهی فقهی بررسی شود.

## **ضرورت انجام تحقیق:**

تربیت فرزندان این مرز و بوم، با توجه به استعداد و هوش سرشاری که دارند، نیازمند منابع و متون فقهی است تا کودکان و نوجوانان و اولیای آن‌ها با بهره‌گیری از آن بتوانند از دسته‌ی انسان‌های بزرگ جامعه باشند. با توجه به این که تربیت فرزندان در امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند مکتب تربیتی غنی اهل بیت (علیهم‌السلام) است و نیز با توجه به این که هیچ کدام از مکاتب نتوانسته‌اند انسان را به سعادت برسانند به جز منابع اهل بیت، که برگرفته از منبع لایزال الهی (قرآن) است، لازم است که با تمسک از مکتب اهل بیت (که جدای از قرآن نیست) بخشی از احکام تربیتی کودکان را مورد بررسی قرار دهیم.

## **اهداف تحقیق:**

همان طور که مشخص شده با مطالعه منابع جامعه فقهی و کتب شناسی‌های مهم، کتابی جامع و کامل و بابتی مستقل که در برگیرنده مسائل مختلف فقهی مربوط به کودکان باشد در فقه شیعه و اهل سنت یافت نمی‌شود. و فقها تنها مسائل مربوط به کودکان را به تناسب در مباحث مختلف و به طور پراکنده، در ابواب مختلف فقهی بیان و احکام هر یک از به دقت تحلیل کرده‌اند.

همچنین روشن است که پایه‌های علوم تربیتی اسلامی و تولید نظریه در زمینه تربیت اسلامی کودکان، بر مسئله تربیت اسلامی و تربیت فقهی استوار است. هدف از این پژوهش تامین این ضرورت بنیادی و پاسخگویی به مسائل مورد بحث در این قلمرو می‌باشد.

همچنین یکی دیگر از اهداف این طرح پژوهشی، آگاه ساختن والدین با نحوه تربیت دینی و اسلامی کودک در سنین مختلف می‌باشد.

### **سوال اصلی تحقیق:**

۱. حکم عبادات و تربیت کودکان از جهت وجوب و استحباب چیست؟

### **سوالات فرعی تحقیق:**

۱. قرآن چه روشی برای تربیت کودکان دارد؟
۲. ولایت غیر ابویبی در تعلیم و تربیت کودکان چگونه است؟
۳. روش‌های موثر در تعلیم و تربیت کودکان چیست؟
۴. آداب تعلیم و تربیت کودکان چیست؟

### **فرضیه‌های تحقیق:**

۱. مشروعیت احکام کودکان دارای ثمرات متعدد، فقهی و تربیتی است.
۲. مشروعیت والدین در امر تعلیم و تربیت کودکان مهم و اساسی است.
۳. احکام کودکان با اینکه بر او واجب نیست اما از مشروعیت برخوردار است.
۴. تربیت کودکان از نظر فقهی دارای مراحل و راه‌های متعددی است.
۵. در قرآن از روش‌های خاصی برای تربیت کودکان استفاده شده است.

## سابقه و پیشینه تحقیق:

با بررسی‌های به عمل آمده، کتاب یا پایان نامه‌ی مدون و مستقلی تحت عنوان بررسی فقهی احکام و تربیت کودکان نگاشته نشده است. اما کتاب‌های فقهی زیادی در زمینه احکام تربیت کودکان تالیف شده است که برای نمونه می‌توان به دایره المعارف فقه اطفال شیرازی و موسوعه‌ی احکام الاطفال و ادلتها اشاره کرد. همچنین در زمینه تربیت کودکان می‌توان کتاب تربیت کودک در اسلام و کتابهای فقه تربیتی دکتر اعرافی و همچنین پایان نامه‌ی حق والدین بر تربیت کودک و محدودیتهای آن که محصول پژوهش در دانشگاه امام صادق است ... را نام برد. البته در این کتب بحث احکام فقهی تربیت کودک به طور کلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

## روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق براساس معیارهای مختلف قابل تبیین است؛ براساس هدف تحقیق مورد نظر، تحقیق کاربردی و براساس نوع و ماهیت داده‌ها، تحقیق مورد بررسی تحقیق کیفی و بر اساس نحوه اجرا، روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است و با ابزار فیش برداری و کارت مشاهده می‌باشد. - روش کتابخانه‌ای یا اسنادی<sup>۱</sup> روشی است که محقق اسناد مکتوب، فیلم‌ها، عکس‌ها، مطالب ضبط شده روی نوار کاست، دیسکت، لوح فشرده و ... را گردآوری و از بین داده‌های موجود، منابع مورد نیاز خود را انتخاب می‌کند.

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

## ۱-۱. مفاهیم فقه و قواعد فقهی و قواعد اصولی

### ۱-۱-۱. تعریف لغوی فقه

فقه، در لغت به معنای مطلق دانستن و فهمیدن<sup>۱</sup> و درک کردن چیزی‌های مخفی می‌باشد.<sup>۲</sup> الفقه فهم الشیء<sup>۳</sup>، راغب در مفردات، فقه را پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده‌است.<sup>۴</sup>

### ۱-۱-۲. تعریف اصطلاحی فقه

فقه در اصطلاح، بنابر این که فقه یک علم می‌باشد، به علم و استنباط احکام شرع از روی رای و اجتهاد فقه اطلاق می‌شود. و هم چنین فقه علمی است که بوسیله ی آن احکام شرعی را از راه ادله ی تفصیلی بدست می‌آوریم. دلیل تفصیلی: قرآن، سنت، اجماع، عقل.

### ۱-۱-۳. فقه در اصطلاح فقهی و اصولی

کلمه فقه، به تدریج در اصطلاح فقها، فقط به «فقه الاحکام» اختصاص یافته است و امروزه از کلمه «فقه» فقط مسائل علمی اسلام از واجب و حرام و مانند آن‌ها به نظر می‌آید. به عبارتی اسلام با الهام از برخی روایات، تعالیم اسلامی را به ۳ بخش «عقاید»، «اخلاق» و «احکام و قوانین علمی» تقسیم کرده‌است. آنان کلمه «فقه» را فقط در مورد احکام و قوانین اسلامی<sup>۵</sup> به کار برده‌اند. به هر حال، فقه مجموعه ای از قوانین، دستورات و امر و نهی‌هایی است که فقیه، از منابع و ادله ی تفصیلی آن را استنباط می‌کند و موضوع عملی بندگان را در برابر خالق رقم می‌زند و به او می‌آموزد که چه عکس‌العملی در مقابل مولای حقیقی اش داشته باشد. به بیان دیگر، اگر غرض از خلقت

۱- ابونصر جوهری، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، (بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷هـ)، ج ۴، ص ۲۲۶۳.

۲- موسوعه جمال عبدالناصر فی فقه الاسلامی، ج ۱، ص ۹.

۳- آیت الله مشکینی، مصباح المنیر، ص ۴۷۹.

۴- حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن چاپ اول، (بیروت، دمشق: دارالقلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق)، واژه فقه.

انسان، عبودیت است: و ما خلقنا الجن و الانس الا یعبدون. فقه طریق عبودیت و بندگی را تعیین می کند و راه عملی آن را به بنده می آموزد و بر همین اساس به آن شریعت و منهج به معنای راه نیز گفته می شود.

### ۱-۱-۴. تعریف فقه در قرآن و روایات

کلمه «فقه» در قرآن کریم، به معنای تدبر، تعمق و فهم عمیق به کار رفته است.<sup>۱</sup> همین مفهوم گسترده برای فقه، در روایات نیز به چشم می خورد. به عنوان مثال: امام صادق (ع) می فرماید: «اذا اراد الله بعبد خیرا فقهه فی الدین؛ هرگاه خداوند خیر و سعادت بنده‌ای را بخواهد او را در دین بصیر و آگاه می گرداند».

### ۱-۱-۲. مفهوم و معنای حکم:

واژه‌ی حکم در منابع فقهی و اصولی به معنای گوناگونی بکار رفته است، از جمله کاربرد آن به معنای قاعده‌ی کلی و نیز دستورات و مقررات شرعی در موضوعات جزئی رواج دارد.

حکم در لغت: واژه‌ی عربی حکم، مصدر و اسم مصدر از ریشه‌ی (ح ک م) به معنای قضاوت کردن، بازداشتن، فرمان دادن، دانش و حکمت است.

حکم در اصطلاح فقه‌ها: خطابهای خداوندی است که به افعال مکلفان تعلق گرفته است و خطاب عبارت است از توجه کلام بغیر و بوسیله‌ی اضافه به خداوند خطاباتی که از غیر خداوند صادر گردیده، خارج می گردد و واجب بودن اطاعت و پیروی از پیمبران و همچنین پیروی عبد از سید خود، به جهت ایجاب خداوند است.

حکم، معنای و مفاهیم مختلفی دارد که در حوزه (حقوق) دست کم در دو معنی کاربرد بیشتری پیدا می کند:

---

۱- انعام/ ۳ و ۷؛ منافقون/ ۹۸؛ انعام/ ۹۸؛ اسراء/ ۴۴ و ۴۶.



۱. حکم به معنای فرمان و دستور دادن و نیز (معنای مصدری و اسم مصدری) اطلاق شده است؛ آن **الحکم الا لله**<sup>۱</sup> هیچ فرمان و دستوری نیست مگر از سوی خدا.

۲. حکم به معنای قضا و دادرسی. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما آرتک الله<sup>۲</sup>. ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا در بین مردم به موجب آن چه خدا به تو آموخته، داوری کنی.

حکم به معنای اول اعم از حق است؛ زیرا مفهومی است نفسی نه اضافی؛ یعنی در آن (من له الحکم، ومن علیه الحکم) مطرح نیست، ولی در حق، چنین اضافه و نسبتی وجود دارد.

حکم به معنای دوم بخشی از حقوق به شمار می‌رود و بر حقوق قضایی انطباق دارد. در نتیجه حکم به معنی اول وسیع تر از حقوق است، ولی حکم به معنی دوم زیر مجموعه‌ی حقوق خواهد بود که در این صورت محکوم له و محکوم علیه نیز در آن راه پیدا می‌کند.

### ۱-۱-۲-۱. اقسام حکم:

حکم، اقسام مختلفی دارد که مهم‌ترین تقسیم‌بندی آن در حقوق کودک، بیشتر از دیگر اقسام حکم کاربرد دارد و آن تقسیم به احکام تکلیفی و وضعی است:

### ۱-۱-۲-۱-۱. حکم تکلیفی

بسیاری از فقها<sup>۳</sup> در تبیین معنی حکم تکلیفی و وضعی فرموده اند: حکم تکلیفی، خطاب شارع است که به افعال مکلفین به نحو اقتضاء و یا تخییر تعلق می‌گیرد.

3- یوسف / ۴۰.

4- النساء / ۱۰۵.

۱. شهید اول، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۳۹.

مقصود از اقتضاء، طلب و درخواست انجام و یا ترک فعل است و مقصود از تخییر، اموری است که انجام و ترک آن یکسان است و مکلف اجازه دارد آن را انجام دهد و یا ترک نماید که در اصطلاح آن را مباح می‌نامند.

به تعبیری دیگر، حکم تکلیفی چنانچه از اسم آن معلوم است، عبارت است از: الزام به انجام فعل و یا ترک آن که ایجاد تکلیف مثبت و یا منفی را برای افراد در پی خواهد داشت.

حکم تکلیفی مثبت مانند آنچه در ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی آمده است: (ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند).

#### ۱-۱-۲-۱-۲. حکم وضعی

حکم وضعی به این معنی است که شارع دو امر از اموری که به مکلفین تعلق دارد را به یکدیگر ربط دهد به گونه‌ای که یکی از آن‌ها در دیگری تاثیر گذارد.

به تعبیر دقیق‌تر، طبق نظریه‌ای که معتقد است شارع تمام یا برخی از احکام وضعی را جعل نموده است، در عین حال در بر دارنده بعث و زجر نیست و بالذات، به افعال مکلفین تعلق نمی‌گیرد هرچند به اعتبار این که تابع احکام تکلیفی است، به صورت تاسیسی یا امضایی به افعال مکلفیت تعلق می‌گیرد.<sup>۱</sup>

#### ۱-۱-۲-۲. تعلق برخی از احکام وضعی به کودک

فعالیتی که از انسان سر می‌زند از جهت ترتب آثار شرعی بر آن‌ها، به دو قسم تقسیم می‌شود:

---

۱. مرتضی انصاری، الفوائد الاصول، ج ۳، ص ۳۸۴.

**قسم اول:** افعالی است که اگر با قصد عمد و اختیار سرزند، آثار شرعی در پی خواهد داشت، مانند این که شرط است که انشاء عقد معامله، با قصد صورت پذیرد در غیر این صورت معامله صحیح نیست. فقها بر این باورند که صدور این قسم از افعال از کودک، آثار شرعی در پی نخواهد داشت.

**قسم دوم:** افعالی است که دارای اثر شرعی است و متعلق احکام وضعی قرار می‌گیرد، بدون این که مشروط به قصد و اختیار باشد. مانند برخورد نجاست با بدن، که با وقوع آن حکم وضعی نجاست ثابت می‌گردد، هر چند انسان بی توجه باشد. و نیز اتلاف مال دیگری که موجب حکم به ضمان می‌گردد، اگرچه اتلاف کننده غافل باشد.

بر خلاف قسم اول، فقها معتقدند کودک مشمول این قسم از احکام وضعی قرار می‌گیرد، ولی به دلیل این که شرایط تکلیف ندارد تا زمانی که بالغ نشده ملزم به انجام احکام وضعی نیست، ولی در مورد اتلاف مال دیگران، کودک باید پاسخگوی ضمان وی باشد.

طبق گفته‌های فوق، کودک و بالغ در احکام وضعیه‌ای که بر این قسم از افعال مترتب می‌گردد، مشترکند و فرقی بین آن‌ها نیست، و آن چه در کلمات فقها<sup>۱</sup> مبنی بر این که احکام وضعیه اختصاص به بالغین ندارد، آمده است، قاعده‌ی فقهیه‌ای با این مضمون تاسیس نموده اند: (در تعلق احکام وضعیه به افراد، بلوغ شرط نیست) که مقصود قسم دوم از افعال می‌باشد.

آیت الله فاضل لنکرانی در این باره می‌نویسد: (مقصود از احکام وضعیه‌ای که برای غیر بالغین ثابت است، احکامی است که ترتب احکام شرعی بر آن‌ها قصد و التفات معتبر نیست، مانند اتلاف مال غیر، حیازت مباحات و غضب؛ اما افعالی که در آن‌ها قصد و امر معتبر است مانند: انشای عقد در باب معاملات و عقود و ایقاعات، مثل بیع و شراء، عتق و طلاق، از کودک صحیح نیست و مشمول چنین احکامی قرار نمی‌گیرد).<sup>۲</sup>

**ادله فقهی نظریه فوق به شرح زیر می‌باشد:**

---

۲. شهید اول، القواعد الفوائد، ج ۲، ص ۷۱؛ بجنوردی، سید حسن. قواعد الفقهیه. (قم: نشر نشر الهدای، ۱۳۷۷)، ج ۴، ص ۱۷۳؛ انصاری، مرتضی. المکاسب. (قم: انتشارات دهقانی (اسماعیلیان)، ۱۳۷۲ ش)، ص ۱۱۴.  
۱. شهید اول، القواعد الفقیه، ص ۳۳۸.

فقهها برای اثبات این مدعا که کودک، مشمول برخی از احکام وضعی می‌گردد علاوه بر اجماع<sup>۱</sup> و سیره‌ی متشرعه، به چند دسته از روایات استناد نمود اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. روایاتی که در باب ضمان وارد شده است. برای نمونه زراره می‌گوید: از امام صادق (ع) سوال نمودم: مردی در زمینی که مالک نیست گودالی حفر کرده است، شخصی از آن محل می‌گذرد و در گودال می‌افتد؟ حضرت فرمود: شخصی که گودال را حفر کرده ضامن است؛ زیرا هرکس در غیر ملک خود، مبادرت به حفر گودال کند و دیگری در آن بیفتد و متضرر گردد ضامن است. (کل من حفر فی غیر ملکه کان علیه الضمان)<sup>۲</sup>.

همچنین در روایت معروفی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: (علی الید ما اخذت حتی تودیة)<sup>۳</sup>. ضمانت هر مال تا زمانی که مال<sup>۴</sup> به آن برگردانده نشده است، به عهده‌ی متصرفی است که آن را در اختیار دارد.

در مفاد این حدیث، میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد که آیا مقصود از آن وضع حکم تکلیفی است و شارع خواسته است بدین وسیله مکافات استیلای بر مال دیگر و وجوب حفظ و رد آن به مالک گوشزد کند<sup>۵</sup> و یا فرض این بوده که ضمان و غرامت چنین مالی بر عهده صاحب ید گذاشته و او مسؤل شناخته شود؟<sup>۶</sup>

ظاهر و سیاق عبارت، همان گونه که شهرت یافته است موید معنی دوم است.<sup>۷</sup> فقیهان از مفاد آن قاعده‌ای فقهی با نام (قاعده‌ی ضمان ید) استخراج نموده‌اند و اجمال آن به این معنی است: (هر کس بر مال دیگری تسلط یابد ضامن تلف و نقص آن است).

---

۲. حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱۷، ص ۴۴۴.

۱. محمدبن حسن حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، (قم: موسسه آل‌البیت (ع) الاحیاء التراث، ۱۴۱ق)، ج ۲۹، ص ۲۴۱، باب هشت، من ابواب الضمان، ح ۱.

۲. نیشابوری، محمد حاکم، المستدرک، (بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴هـ)، ج ۱۷، ص ۸۸، باب ۱، من ابواب القصب، ح ۴.

۳. قدرت الله انصاری، احکام و حقوق کودکان در اسلام، چاپ اول، (قم: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۹۲ش)، ج ۱، ص ۴۸.

۴. عبدالفتاح بن علی حسینی مراغه، العناوین، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق)، ج ۲، ص ۲۸۵.

۵. مرتضی بن محمدامین انصاری، تراث شیخ الاعظم (مجموعه آثار شیخ اعظم انصاری)، (قم: کنگره دویستمین سالگرد ولادت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۸ق)، کتاب المکاسب ج ۳، ص ۲۶۷.